مکتوب جدید فارسی عمومی که هنوز ارسال نگردیده

هو الله

اللّهمّ یا الهی و محبوبی و مطلوبی و مقصودی انّ هذا یوم الاوّل من الرّضوان قد اتی بفرح و سرور و روح و ریحان فالاریاح قد هبّت و الغیوم فاضت و الشّمس اشرقت بفضلک و بسطت ریح الصّبا فی هذا الرّبیع البدیع علی السّهول و الحزون بفیضک المشکور زرابیّة سندسیّة ینعکس منها ابدع الوان عبقریّة مرصّعة بحلل الزّهور و الاوراق الّتی تخطف نضرتها الابصار و النّسیم رخیم و المَعین نمیر و الرّوض انیق و الایک نضیر و الغمام مطیر و الکوکب منیر بفیض جودک و عطآئک فاصبحت الغبرآء خضرآء بعنایتک و البسیطة جنّة المأوی برحمتک اذ اتی یا الهی یومک الرّضوان بعظمة و سلطان و کوکبة تملأ الامکان و موکبة من الرّوح و الرّیحان و خیّم فی قطب الآفاق بسطوع انوار الاشراق و ساق جیوشه و بعث جنوده الی المشارق و المغارب فی قطب الجنان فامتلأ قلب احبّآئک فرحاً و سرورا و انجذبوا بنفحاتک طرباً و حبورا فقاموا علی ثنآئک شوقاً و توقا و سقاهم ربّهم شراباً طهورا و لک الحمد یا الهی علی ما انعمت و لک الشّکر یا منائی علی ما اکرمت و لک المنّ یا محبوبی علی ما اعطیت الهی الهی انت المقصود فافتح علی وجوه احبّآئک فی هذا الیوم المشهود ابواب الفضل و الجود و انشر علی رؤسهم شراع الهدی فی السّفینة الحمرآء و احشرهم تحت رایة الفضل و العطآء و انزل علیهم آیة التّأیید فی قطب الانشآء ربّ ربّ اجعلهم نجوماً باهرة و سُرُجاً ساطعة و کواکب لامعة و شهباً ثاقبة حتّی یقوموا علی خدمة امرک بین خلقک و ایقاد نار محبّتک فی قلوب بریّتک و نشر آثارک فی بلادک و تربیة النّفوس فی مملکتک فتمتدّ فی الارض مائدة سمآئک و یصبح الامکان جنّة الابهی بقدرتک و الغبرآء غبطة للخضرآء بفیض حکمتک اللّهمّ اجعل احبّآئک ملائکة سمآئک فی ارضک و اصفیآئک حزب ملکوتک فی ملکک هذا منتهی امل عبدک الّذی خضع لسلطانک و سجد ببابک و تذلّل لعزّتک و اکبّ بوجهه علی التّراب لسلطنتک انّک انت الکریم الرّحیم العزیز الوهّاب

 ای یاران روحانی عبدالبهآء در ایندم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان جذب و سرور است وله و حبور و تجلّی یوم مشکور شادمانیست و کامرانی روحانیست و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانهٴ چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی زیرا یوم خروج اسم اعظمست در عراق از مدینة‌ اللّه بحدیقهٴ نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند لهذا اشراق آن بشاشت ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمة اللّه بر جمیع امکان گشت

 پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کلّ چنان وجد و سروری نمائید که ملکوت وجود را بحرکت آرید لهذا عبدالبهآء ببشارت کبری فائز و نهایت تضرّع و ابتهال را بدرگاه جمال ابهی مینماید که جمیع یارانرا بروح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد و امیدواریم که در سنهٴ آتیه دوستان حضرت رحمن در بلاد آزاد در نهایت روح و ریحان مشرق‌‌ الاذکار بنیاد نمایند و بمحامد و نعوت جمال مختار واضحاً مشهوداً قیام کنند و ادای صلاة فرمایند زیرا در عالم عبادت صوم و صلاة دو رکن اعظم شریعت اللّه است فتور ابداً جائز نه و قصور یقیناً لائق نیست در زیارت میفرماید اسئل اللّه بک و بالّذین استضآئت وجوههم من انوار وجهک و اتّبعوا ما امروا به حبّاً لنفسک میفرماید که متابعت احکام الهی منبعث از محبّت جمال محبوب و سالک چون مستغرق در بحر محبّت اللّه شود بحرکت شوقیّه قیام بر متابعت اوامر اللّه نماید لهذا ممکن نیست که در قلبی نفحهٴ محبّت اللّه باشد و بعبادت حق قیام ننماید مگر در مقامی که سبب فزع و جزع مبغضین شود و فساد عظیم بر پا گردد والّا مفتون آن جمال ابهی البتّه دائماً در عبادت حضرت ربوبیّت مداومت فرماید

 ای یاران الهی عبدالبهآء از فساد اعدا و فتنهٴ مرکز نقض در خطری عظیم است هر واقعه‌ئی که رخ دهد از جزئی و کلّی نفسی را متّهم ننمائید جمیع از فساد و عناد مرکز نقض است اسئل اللّه ان یجعله تائباً راجعاً الی العهد و المیثاق والّا فسوف یری نفسه فی خسران مبین در این ایّام در تصوّر آنست که اسباب فراری فراهم آرد و از ارض مقدّس بگریزد تا در فتنه بیشتر کوشد و فرارش سبب ازدیاد صدمات و بلایاء این عبد و احبّاء اللّه گردد آنچه توانست از انواع دسائس و رذائل و فتنه‌جوئی و شرارت و اغوا و افترا مجری نمود و کوتاهی نکرد چیزی که باقی گذاشته فرار است و حال در صدد آن که عار فرار اختیار کند و سبب ذلّت کبری گردد و فتنهٴ عظمی اگر فرصت بدست آورد دقیقه‌ئی در فرار تأخیر ننماید امّا تمکّنش در فرار مشکلست امّا در صورت وقوع باید احبّای الهی بیدار باشند و هوشیار و در جمیع جهات مواظب باشند که مبادا رخنه‌ئی در امر اللّه کند و سبب نشر نفحهٴ کریههٴ بغضا گردد از بعد از صعود تا بحال آنچه سبب تضییع امر اللّه بود مجری داشت حال نیّت این عمل مکروه مذموم را نیز دارد در این ایّام بعضی از نفوس مهمّه تصوّر آن داشتند که بکوشند تا رفع سجن از عبدالبهآء گردد و مقتدر بر آن بودند ولی این عبد در جواب گفت که این قلعه سجن جمال ابهاست قریب بیست و چهار سال جمال مبارک در این زندان بودند لهذا من رهائی از این زندانرا نخواهم و طلب نجات نکنم بلکه تجدید سجن را جویانم و بمنتهای آرزو اعظم از آنرا خواهم آن نفوس از این بیان متحیّر ماندند مقصد آن بود که بدانند زندان در سبیل یزدان از بهر ما ایوانست و تنگنای چاه اوج ماه فی ‌الحقیقه چنین است هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الّا الضّلال المبین مرکز نقض را امید چنین است که چون خون این مسجونرا هدر دهد میدانی خواهد یافت و جولانی خواهد داد بئس الظّنّ هذا الظّنّ انّ بعض الظّنّ اثم عظیم سرمستان صهبای میثاق از اهل نفاق بیزارند و مقتبسان نور اشراق از اهل شقاق در کنار بلبل وفا اگر بحدیقهٴ بقا پرواز نماید نفس هوشیار نعیب زاغ و نعیق کلاغ را استماع نخواهد و وجه ملیح صبیح اگر در پس پردهٴ حجاب رود روی کریه قبیح را هیچ دانائی نظر ننماید مگر نفسی فتنه‌انگیز و بی عقل و تمیز اعاذکم اللّه من شرور النّاقضین و فساد النّاکثین

 ای احبّای الهی متّحد و متّفق شوید و بعروة الوثقای میثاق متشبّث و در اعلای کلمة اللّه سعی بلیغ و جهد جهید بنمائید تا نور حقیقت آفاق امکانرا بتمامه منوّر نماید و ظلمت بغضا و ضلال بکلّی زائل گردد مرکز نقض اگر چنانچه ضرّش مجرّد باینعبد بود و بغضایش مخصوص باینمظلوم مسجون واللّه الّذی لا اله الّا هو که کلمه‌ئی در مقابل رسائل شبهات و مفتریات او تکلّم نمینمودم ولی چه توان نمود که تحریف کلمات اللّه نموده و هدم شریعت اللّه و نقض میثاق اللّه روا داشته اگر محض ایقاظ یاران بکلماتی چند رفع شبهات نمینمودم شریعت اللّه بکلّی از میان میرفت واللّه الّذی لا اله الّا هو مجبوراً این کلمات مختصره مرقوم میشود والّا اینعبد ابداً راضی بآن نیست که کلمهٴ وهنی در حقّ اعدا عدوّ خویش بر زبان رانم با وجود جمیع این وقایع باز دعا کنم و عجز و نیاز نمایم بلکه از این ملاعب صبیان بگذرد و از ظلم و طغیان راجع شود و تائب گردد و در ظلّ میثاق درآید واللّه الّذی لا اله الّا هو نهایت محبّت و مهربانیرا نمایم و از گذشته کلمه‌ئی بر زبان نرانم و تکلیفی باو ندارم مگر آنچه تحریف نموده تصحیح نماید باری اسّ اساس شریعت اللّه اینست که احبّای الهی با جمیع ملل و امم در نهایت مهربانی و مودّت و یگانگی و صدق و صفا و وفا معامله نمایند ابداً بر خلاف این اساس متین با نفسی رفتار ننمایند مگر نفسیکه صرف بغضا باشد و عمداً هدم شریعت اللّه خواهد این نفوس ابداً چاره‌ئی ندارند میدانی از برای ایشان نباید گذاشت که جولان نمایند زیرا شهادت حضرت اعلی و شهادت جمیع شهدا و سفک این خونهای مطهّر و بلایا و محن و سجن و رزایای خمسین سنهٴ جمال انور را بکلّی هدر دهند و بنیان عظیم امر اللّه را قاعاً صفصفا کنند لهذا باید از این نفوس احتراز نمود و همدم و دمساز نگشت الّا ان یتوبوا الی اللّه انّ ربّی توّاب رحیم و توبه نیز باید صمیمی باشد نه لفظی توبهٴ مظهر نقض اینست که تحریف را تصحیح کند و اقرار بآنچه کرده بنماید و تائب الی اللّه گردد والّا یومی بواسطهٴ حضرت علی قبل اکبر نزد عبدالبهآء آمد و در را ببست و اعتراف بر گناه نمود و عفو خطیئات خواست و اینعبد نیز عفو نمود بعد از چند روز واضح و مشهود شد که این نیز حیله و تزویری بود و مقصد آنکه نفوس را بخفا ملاقات نماید و القاء شبهات کند زیرا احبّای الهی احتراز از معاشرت مینمودند مقصود اینست که توبهٴ صمیمی از توبهٴ صنعی باید ممتاز گردد آنوقت قبول شود و علیکم التّحیّة و الثّنآء

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر